

# حق بر شناسایی و حفظ هویت کودکان (بخش دوم)



Elizabeth Haslam عکس:

وکیل و پژوهشگر حقوقی - حسین رئیسی

بخش دوم: لزوم حفظ هویت کودکان در شرایط خاص

مقدمه:

بنیادهایی که حق بر حفظ هویت کودکان برآن استوار است، نظیر تولد، رابطه خونی (نسب) کودک به پدر و مادرش و بخش نخست در ضرورت پرداختن به این موضوع را مورد بررسی قرار دادیم. در این بخش و در ادامه به ضرورت حفظ حق هویت در شرایط خاص خواهیم پرداخت. در اینجا دو بخش عمده که ممکن است، هویت کودکان به واسطه آنها فراموش شوند را بررسی می کنیم.

## اهداء جنین و رحم های اجاره ای

بیشتر سراغ رحم اجاره ای و یا مادر جایگزین می روند، که به هر دلیلی صاحب فرزند نمی شوند. در کنار این دست افراد معمولاً افرادی گروهی هستند که علاقه ای به ازدواج ندارند و معمولاً از بانک اسپرم برای تولید مثل استفاده می کنند. استفاده از روش های مدرن در ایران فارغ از علقه زوجیت و بدون احراز مشروعیت لقاح ممکن نیست. بدیهی است در صورت وقوع بدون شرایط یاد شده کودک حاصله به عنوان کودک معمولی و برخوردار از همه حقوق انسانی شناسایی نمی شود. این اتفاق می تواند به تعداد کودکان متولد خارج از ازدواج یا به اصطلاح شرعی، نامشروع کودکان فاقد هویت شناخته شده و رسمی اضافه نماید.

نمونه هایی [فرض کنید زن جوانی در خارج از ایران از طریق بانک اسپرم بدون اینکه صاحب آنرا بشناسد وبدون تماس جنسی حامله شود. مطابق مقررات قانون مدنی ایران این کودک ایرانی شناخته نمی شود و امکان دریافت شناسنامه را [از این موارد را شخصاً برخورد کرده ام معیارخون " نخواهد داشت. اگر مادر این کودک تابعیت کشور دیگری را نداشته باشد و در کشوری تولد صورت گیرد که تابعیت از قانون تبعیت کند، سرنوشت کودک چه خواهد شد؟ "

در فرض ناباروری برخی از خانواده ها تمایل به استفاده از رحم اجاره ای دارند. در برخی از کشورها این موضوع مجاز است و در برخی دیگر ممنوع است.

با گسترش این روش موارد سوء استفاده نیز به چشم می خورد. به عنوان مثال عدم پذیرش کودک بیمار بوسیله صاحبان نطفه و عدم تعلق کودک به مادری که او را بدنیا می آورد. در چنین شرایطی، جامعه نیازمند قوانین دقیقی است تا کودکی که با این روش متولد می شود مورد پذیرش قرار گیرد و هویت او در وهله نخست شناسایی و به پدر و مادر واقعی تعلق گیرد.

قانون نحوه اهداء جنین در حقوق ایران به رسمیت شناخته شده است، بر اساس (Surrogacy) رحم های جایگزین یا اهداء جنین) مصوب 1382 و آیین نامه مربوط به آن، شرایطی برای آن در نظر گرفته شده است. از جمله می توان به آنچه در ماده سوم آیین نامه آمده اشاره کرد که برای جلوگیری از بی هویتی کودکان و رها شدن جنین در شرایط عدم شناسایی و ثبت هویت مفید است. این قانون مقرر در مراکز مجاز تخصصی درمان ناباروری، با احراز رضایت کتبی زوج های اهدا کننده و اهدا، جنین باید با موافقت و - ماده ۳ " میدارد: " هویت آنان و به صورت کاملاً محرمانه انجام گیرد.

بر اساس قانون مورد اشاره آنچه برای اهداء جنین و رحم های اجاره ای ضرورت است اینکه طرفین باید معلوم باشند و بین دو طرف اهداء برای [1] کودک و تعلق آن به صاحبان نطفه تردیدی راه نیابد. "نسب" لزوماً علقه زوجیت باشد. این امر سبب خواهد شد تا در کننده در ماده دوم آیین نامه مورد اشاره شرایط حقوقی بیان شده است. تضمین نسب در چنین موردی

با وجود این قانون، طرفین نیز می توانند قراردادی دقیق بین یکدیگر تنظیم کنند و نسبت به حق هویت و سایر حقوق کودک پیش بینی های لازم را بین خود در حدی که مغایر با قوانین موجود و اخلاق عمومی نباشد، مقرر نمایند.

یکی از نگرانی ها، عدم شناسایی کودکی است که خارج از ازدواج و با استفاده از روش های جدید متولد می شود. این یکی از معایب این قانون است. شاید گفته شود در ایران با توجه به آیین نامه موصوف پیش از لقاح مصنوعی موضوع مشروعیت نطفه مورد توجه قرار می گیرد؟ در پاسخ باید گفت درست است که چنین اتفاقی پیش بینی شده است، اما کودکانی که در خارج از ایران ولیکن بوسیله زن یا مرد ایرانی بدین وسیله دنیا می آیند و یا کودکانی که این تشریفات در باره آنها صورت نمی گیرد، سرنوشتی نامعلوم دارند و هویت آنها مورد شناسایی قانون قرار نمی گیرد.

درباره الزامی بودن پذیرش کودک و تضمین مالی او حتی در فرض اینکه کودک بیمار دنیا بیاید، شاهد تضمین مناسب در قانون مورد اشاره نیستیم. در فرض جدایی بین صاحبان نطفه بعد از لقاح در رحم اجاره ای سرنوشت کودک می تواند در معرض خطر باشد. علیرغم آنچه که می [2] اینکه در ماده سوم قانون نحوه اهداء جنین همه وظایف پدر و مادر ها در باره نوزاد ناشی از این روش نیز استوار است. تواند موجب نگرانی باشد، اینکه جدایی در شرایط حاملگی واقعی ممکن نیست، اما در این شرایط با مسکوت نگهداشتن موضوع جدایی بین زوجین صاحب نطفه ممکن است و احتمال رهایی کودک وجود داشته باشد، قانون نیز ضمانت اجرایی برای عدم پذیرش جنین و عدم ثبت هویت آن در این شرایط رادر نظر نگرفته است. این اتفاق نه تنها در فرض جدایی در هر شرایطی نیز ممکن است روی دهد.

### کودکان پناهنده و مهاجر

موضوع پناهندگی و یا مهاجرت برای کودکان همواره می تواند رنج و عذاب به همراه داشته باشد. مهاجرینی که مقصد آنها ایران است، شرایط سختی را پیش رو خواهند داشت. تجربه نشان می دهد که شرایط برای کودکان مهاجر و یا کودکان متولد از مهاجرین به دلیل عدم وجود زیرساخت های قانونی مناسب در سی ساله گذشته چندان مناسب نبوده است.

[3] قوانین تابعیت در ایران از قانون خون تبعیت می کند. بر این اساس صرفاً کسانی که از پدر ایرانی متولد شوند ایرانی شناخته می شوند. این قانون مانع شناسایی حق تابعیت و هویت دو گروه از کودکان شده و خواهد شد، نخست، افرادی که از این قانون آسیب دیده و خواهند دید کودکانی هستند که از مادر ایرانی و پدر غیر ایرانی متولد شده اند. گروه دیگر کسانی است که از پدر و مادر خارجی در خاک ایران دنیا می آیند.

بر اساس مقررات قانون مدنی مورد تحقیق، مهاجرین و پناهندگان به ایران امکان برخورداری از هیچ بخش از حقوق شهروندی ندارند. علاوه بر عدم روشنی مقررات تابعیت، امکان ثبت هویت چون با هر میزان حضور و اقامت در ایران به تابعیت ایران در نمی آیند. کودکان مهاجر متولد در ایران نیز فراهم نمی شود. این موضوع سبب شده است تا گروه زیادی از کودکان مهاجرین و پناهندگان افغان و عراقی که در سه دهه گذشته که ناچار به اقامت در ایران بوده اند، هویت نداشته باشند.

هویت این دسته از کودکان مهاجر جایی ثبت نشده است و به دلیل درگیر بودن هر دو کشور عراق و افغانستان با جنگ، دفتری برای ثبت امور کنسولی نیز تا سالهای اخیر در ایران نبوده است. اقامت غیر مجاز و غیر ثبت شده نیز موجب شده است تا کمساری عالی پناهندگان نتیجه آن رهایی گروه زیادی کودک فاقد اوراق هویت در اطراف سازمان ملل نیز هویت این دسته از کودکان را به درستی شناسایی نکند. برخی شهرها مانند مشهد، زاهدان و تهران شده است.

ازدواج مردان مهاجر با زنان ایرانی به خصوص طی سی سال گذشته به دلیل حضور تعداد بیشماری تبعه افغانستان و عراق در ایران و محدودیت هایی که قانون مدنی در ماده 1060 برای ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی در نظر گرفته است، سبب شده است تا فرزندان ناشی از این ازدواج ها نیز فاقد شناسنامه باشند و هویت آنها مورد شناسایی قرار نگیرد. [4]

در نتیجه عدم شناسایی هویت این دسته از کودکان تعداد زیادی از آنها از حق دسترسی به حقوق اولیه و بنیادی نظیر حق آموزش، حق بهداشت و حق مصونیت از بهره کشی جنسی، اقتصادی بی بهره هستند.

فاقد شناسنامه بودن تنها مختص کودکان متولد از خانواده های مهاجرین نیست، بلکه علاوه بر کودکان متولد از مادران ایرانی، کودکان [5] متولد از طریق روابط خارج از ازدواج نیز آماری به خود اختصاص داده اند که مورد توجه مددکاران اجتماعی قرار گرفته اند.

### نتیجه گیری

امروز قاچاق، خرید و فروش، بهره‌کشی جنسی و اقتصادی از کودکان در شرایط مختلف در سراسر جهان جریان دارد. بخش مهمی از این اتفاقات متعاقب بی‌هویتی کودکان و یا نسبت به کودکانی که هویت آنها مورد شناسایی قرار نگرفته است و یا پس از حذف هویت واقعی کودکان صورت می‌گیرد. این دسته رفتارها جنایت علیه کودکان محسوب می‌شود و برای مقابله با آن الزامی شدن حق بر حفظ هویت کودکان و ایجاد موانع جدی حقوقی، قضایی و اجتماعی در مسیر سوء استفاده‌کنندگان و رفع موانع در مسیر شناسایی کودکان و دادن هویت واقعی به آنها را الزامی می‌سازد.

به همان میزان که کودکان فاقد هویت در معرض آسیب هستند عواملی که سبب این بی‌هویتی می‌شوند نیز سهم بالایی در آسیب‌های مختلف نسبت به کودکان دارند. محرومیت از حق حفظ هویت یکی از مهمترین حقوقی است که مستقیم و غیرمستقیم بر ادامه حیات اجتماعی کودکان و قرار داشتن آنها در شرایط بحرانی تاثیر خواهد داشت. از جمله این آسیب‌ها در عرصه آموزش نسبت به این دسته از [6] کودکان به روشنی دیده می‌شود.

بر اساس نظر مدیرکل دفتر امور آسیب‌های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی 40 درصد از کودکان کار و خیابان را کودکان عمده [7] مهاجر و پناهنده تشکیل می‌دهند. همین مقام رسمی اعلام می‌کند که 24 درصد از همین کودکان هیچ وقت مدرسه نرفته‌اند. کودکان خارجی که راهی خیابان هستند فاقد مدارک شناسایی هستند. محله شیرآباد در زاهدان و برخی مناطق مشهد این دسته از افراد در شرایط بسیار سخت زندگی می‌کنند.

در نهایت باید گفت بهترین راه برای پایان دادن به این شرایط قانونگذاری در این مسیر بر مبنای نیازهای اساسی کودکان است. با قانونگذاری مناسب می‌توان از یک طرف موانع ثبت هویت کودکان را برطرف کرد مانند، دادن هویت نسبت به همه کودکان بدون توجه به منشاء تولد ناشی از ازدواج و یا خارج از ازدواج و بدون توجه به اینکه چگونه متولد شده‌اند. از طرفی دیگر با ایجاد موانع حقوقی و غیر قابل نفوذ برای افرادی که از بی‌هویت ماندن نوزادان سوء استفاده می‌کنند، موجبات تضمین حق بر هویت کودکان را فراهم قضایی نمود و موانع آسیب‌های ناشی از بی‌هویتی برای کودکان شد.

در دنیای کنونی برای محافظت از حق هویت کودکان ضروری است تا قوانینی تصویب شود که مانع از فراموشی این حق به صورت همه جانبه و در همه شرایط شوند. برای این منظور تضمینات مناسب حقوقی برای حراست از این حق لازم است.

تا زمانیکه فقدان شناسایی کودکان به عنوان ابزاری برای نفی سایر حقوق آنها شناخته می‌شود، تلاش برای بهبود شرایط کودکان از جمله حق حفظ هویت آنها لازم و ضروری است.

## پی‌نوشت‌ها:

1. [مهرخانه](#) برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به؛ رحم‌های اجاره‌ای و آراء فقهی؛
2. وظایف و تکالیف زوجین اهداء گیرنده جنین و طفل متولد شده "23 مرر میدارد: 5/ مصوب 1382 [قانون نحوه اهداء جنین](#) ماده دوم. "از لحاظ نگهداری و تربیت و نفقه و احترام نظیر وظایف و تکالیف اولاد و پدر و مادر است.
3. بند 2 ماده 976 قانون مدنی مصوب 1313 مقرر میدارد: کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.
4. ازدواج زن ایرانی باتباعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موقوف به اجازه مخصوص از طرف دولت - [قانون مدنی](#) ماده 1060 است.
5. مراجعه [اینجا](#) نوشته دکتر مسعود مظاهری تهرانی در "کودکان بی‌شناسنامه در چرخه آسیب‌های اجتماعی" برای اطلاع بیشتر به مقاله فرمایید.
6. ملاحظه فرمایید. [اینجا](#) ایسنا را در - برای مطالعه بیشتر گزارش خیرگزاری دانشجویان ایران
7. ببینید. [اینجا](#) گزارش مورخ 25 شهریور 1393 سلامت نیوز را در این رابطه در